

فراخوانی جبهه متحد

مقابله با ترور نازیها، راسیسم دولتی و عمومی- انحلال ارگان جاسوسی "حفاظت قانون اساسی"

بتاریخ ۱۷,۴,۲۰۱۳ محاکمه عضو سازمان زیرزمینی نازیها (NSU) بآته چپه و چهار هوادار آن رالف وُل
لین, هلگر گِراخ, کارستن شولتسه و آندره امینگر در شهر مونیخ شروع می شود.

بدین جهت جبهه وسیعی از نیروهای ضد فاشیستی در سراسر آلمان آمادگی خود را جهت تظاهرات بزرگ
در شهر مونیخ در شنبه پیش از شروع دادگاه اعلام می کند.

در ماه نوامبر ۲۰۱۱ معلوم شد که اعمال راسیستی و جنایتکارانه سازمان زیرزمینی نازیها (NSU), مدت هفت
سال تمام زیر نظر نیروهای امنیتی انجام شد که بقیمت جان ده نفر انسان و دو عملیات انفجاری تمام شد. در
مطبوعات اصطلاح "دونر" رایج شد و کمیسیون فوق العاده بخود نام "بُسُور" داد. بدین جهت, پلیس پیشاپیش
, علیرغم انگیزه های راسیستی قتل ها, سعی کرد قربانیان و قاتلین را زیر پوشش "جنایتکاری خارجی ها"
بررسی کند.

به این دلیل راسیستی خانواده ها و وابستگان و محیط شخصی قربانیان سالها بدقت تحت نظر قرار گرفت.
بجهت سوء ظن کاملا بی پایه حول قربانیان به بسیاری از روابط اجتماعی و اساس زندگی لطمه زده شد. این
تمایلات راسیستی از طرف کارمندان و عموم باعث انحراف جهت رسیدگی قتل ها شد. از یک طرف
اطلاعات دال بر رمینه راسیستی مورد بی توجهی قرار گرفت, از طرف دیگر تئوری "سندیکاهای مافیایی
خارجی ها" بسادگی باعث انحراف پلیس و قشر وسیعی از مردم. و مانع رسیدگی بیشتر جریان شد.

پنج مورد از ده مورد جنایت NSU در ایالت باواریا اتفاق افتادو دو مورد آن در شهر مونیخ. بین "گروه دفاع
از میهن از ایالت تورینگن" جایی که قاتلین اصلی قبل از مخفی شدن متشکل بودند و نازیها در ایالت باواریا,
در سالهای نود میلادی ارتباطات تنگاتنگ وجود داشت. اشخاصی بنام برنهاردت و موندلوز در ملاقاتها و
مراسم مختلف در ایالت باواریا شرکت کردند. تعدادی از هواداران NSU هنوز در ایالت باواریا زندگی می
کنند و یا می کردند, مثلا مندی ستروک که بآته چپه هویت ش را از او (در کار مخفی) گرفته است. توسط
اشخاصی بنام تینو براندت و کای دالک (دو نفر از اعضای "حفاظت قانون اساسی") ارتباط بین نازی های
ایالات تورینگن و باواریا برقرار شد.

بقول کنعان کلات سرپرست انجمن تُرک ها در آلمان در اوایل نوامبر "کشور آلمان یک مشکل بزرگ
راسیستی دارد"

هماهنگی ساختاری بین ترور نازی و ساختار دولتی و نژادپرستی در جامعه و سیاست و مطبوعات در رابطه
با حذف دلخواهی حقوق پایه ای قوانین پناهندگی بعد از شروع درگیریهای خشونت آمیز دهه نود میلادی در
—روستوک لیشتن هاگن— بر صد خارخیا و حالا حرکت ضد اسلام:

راسیسم بسیار عمیق در طبقه متوسط جامعه ریشه دارد. اینکه بعد از اینهمه قتلهای زنجیره ای چیزی در
وجدان عمومی نقش نبسته است, گویای مثال زیر است:

پناهندگان بیست سال پس از خشونت های "روستوک—لیشتن هاگن" هنوز برای حقوق پایه ای خود می جنگند,
روما هنوز تحقیر می شوند و در اقامتگاههای ناامن نگهداری می شوند. مهاجرین هر روز تحقیر و تهدید
میشوند, مورد حمله و اتهام جنایی قرار می گیرند.

در این کشور بی خطر نشان دادن و پنهان کردن راسیسم و ترور نازی یک سنت است. در کشور آلمان
تجاوزات دست راستی و راسیستی و قتل یک دیرینه غم انگیز دارند. رد پای خونین تا به امروز (تا مورد حل
نشده سوء قصد اکتبر) تا درگیریهای خشونت آمیز روستوک, مَلن, زولینگن و هویرز وردا, تقریباً دویست قتل
از ۱۹۸۹ علیه خارجی ها, خانه بدوشان, پانک ها و ضد فاشیست ها تا قتل های NSU .

شهر مونیخ بارها صحنه ترور نازی ها بود:
بزرگترین سوء قصد فاشیستی در تاریخ آلمان در سال ۱۹۸۰ توسط یک فعال "ورزش دفاعی گروه حفمن" به هنگام جشن اکتبر مونیخ , که در آن ۱۳ نفر کشته و ۲۰۰ نفر گاهاً بشدت زخمی شدند.
در سال ۱۹۸۱ در یک زدو خورد مسلحانه با پلیس در جریان دزدی بانک , دو نازی کشته شدند.
در سال ۱۹۸۵ نازی های گروه لودویگ یک ساختمان را در شیلرستراسه به آتش کشیدند, که یک نفر کشته شد.
در سال ۲۰۰۳ نازی های گروه "رفقای جنوب" مهمات و مواد منفجره تهیه کردند و می خواستند محل طرح بنای جدید محله یهودی ها را منفجر کنند.

بعد از افشای قتل و عام های گروه NSU متوجه یک سیاست وحشتناک سرپوشی هستیم:
پرونده های مخفی و نابود شده, دروغ و لاپوشانی در کمیسیون های رسیدگی, تعداد کم و خیلی دیر استغاهای مسئولین. یک روشنگری شفاف و بنیادی درباره نقش سازمان مخفی و پلیس تا بحال انجام نشده است.
مسئولین سیاسی از خطاهای جزئی صحبت می کنند, بجای آنکه بطور جدی نتیجه سیاسی علیه راسیسم و حمایت های شرم آور کارمندان "حفاظت قانون اساسی" ایالت باواریا برای تاسیس گروه هاس ناری گرفته شود.

راستگرایی در ارگان "حفاظت قانون اساسی" یک سنت دیرینه دارد. این ادگان در سال ۱۹۵۰ توسط ناری های "سابق" تاسیس شد و تلاش کرد که مبارزان ضد فاشیست دوباره زندانی شوند. در سال های شصت میلادی علیه جنبش دانشجویی مبارزه کرد و در سال های هفتاد و هشتاد میلادی اسناد لازم را جهت ممنوعیت شغلی فعالین چپ تهیه کرد.

۹ سال پیش طرح غیرقانونی کردن سازمان NPD (هواداران نازی) به این بهانه هم شکست خورد چونکه اعضای ارگان "حفاظت قانون اساسی" تا بالاترین رده های سازمان NPD نفوذی داشتند. در حول و حوش گروه NSU هم پر از مأمورین ارگان "حفاظت قانون اساسی" و پلیس است.

بنابراین تنها اقدام موثر جهت حل این مشکل می تواند انحلال ارگان "حفاظت قانون اساسی" باشد. ما باید جلوی تلاش دولت را بگیریم که از قضیه قتل های گروه NSU جهت تقویت کردن بیشتر دستگاه امنیتی خود استفاده کند و با این وسیله دوباره اصل جدائی پلیس و سازمان جاسوسی را , که حاصل نتیجه گیری از گذشته فاشیستی کشور است, لغو کند.
ما با قربانیان ترور NSU و خانواده هایشان ابراز همدردی می کنیم. آنها نه تنها قربانیان NSU هستند بلکه مضاعفاً توسط روش های راسیستی رسیدگی پلیس شکنجه شدند.

مبارزه مشترک علیه راسیسم در جامعه و سیاست و نهادها!
جبران خسارت حاصل از اقدامات راسیستی و توهین آمیز پلیس !
افشای شفاف نقش سازمان های جاسوسی و پلیس!
انحلال ارگان "حفاظت قانون اساسی"!
تحقیق و رسیدگی مجدد پرونده سوء قصد در شهر مونیخ در سال ۱۹۸۰!
لغو همه قوانین راسیستی ! هیچ انسانی غیر قانونی نیست!
پیش به سوی یک جامعه غیر راسیستی و همبسته!